

دایره شمول ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی

ودك هدیه آسمانی خداوند به زوجین است و از همین روست که قانون گذار نگهداری

كودك را هم حق و هم تكلیف پدر و مادر دانسته و در صورت مفارقت و جدایی زوجین

از یکدیگر چنین تعیین تکلیف نموده است: «برای حضانت و نگهداری طفلی که ابوین او

جدا از یکدیگر زندگی می کنند، مادر تا هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر

است.» سپس در تبصره الحاقی ماده ۱۱۶۹ اصلاحی ۱۳۸۲ مقنن بیان می دارد: «بعد از

هفت سالگی در صورت اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت كودك به تشخیص

داد گاه می باشد.»

همان گونه که گفته شد، از آنجایی که نگهداری از كودك حق والدین محسوب

می گردد، بنابراین در صورتی که به علت طلاق یا به هر جهت دیگر، پدر و مادر كودك

در يك منزل سکونت نداشته باشند، هر يك از آنها که طفل تحت حضانت او نمی باشد،

حق ملاقات فرزند خود را دارد. تعیین زمان و مکان ملاقات و سایر جزئیات مربوط به آن،

در صورت بروز اختلاف میان پدر و مادر با داد گاه است و به تبع این امر كودك را

نمی توان از ابوین و یا پدر و مادری که حضانت با اوست، گرفت؛ مگر در صورت وجود

علت قانونی.

در شرایطی که برابر حکم دادگاه، حضانت طفل در اختیار یکی از والدین قرار دارد، برای طرف مقابل حق ملاقات تعیین می گردد. امتناع صاحب حق حضانت از دادن کودک به شخصی که حق ملاقات دارد و یا امتناع شخصی که فرزند را در اختیار گرفته و آن را به دارنده حق مسترد نمی کند، موجب بروز اختلافات و به تبع آن تشکیل پرونده‌هایی در دادگاه‌های کیفری و حقوقی شده است. تعدد مواد قانونی در این خصوص از جمله ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۵ بهمن ۱۳۵۳، ماده واحده قانون مربوط به حق حضانت مصوب ۲۶ تیر ۱۳۶۵ و ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی، منجر به اتخاذ تصمیم‌ها و رویه‌های مختلفی در این نوع پرونده‌ها گردیده است.

با توجه به این که ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده و ماده واحده مربوط به حق حضانت به طور مشخص ضمانت اجرای آرای دادگاه‌های خانواده هستند، از این رو در این نوشتار تلاش می شود که با بررسی مواد یاد شده، دایره شمول ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی مشخص گردد و به عبارتی آشکار شود که آیا منظور مقنن از ماده یاد شده تحت الشعاع قرار دادن اختلافات زوجین در این خصوص است یا منصرف از موارد مذکور می باشد؟

به عنوان مثال، زوج با تنظیم دادخواستی تقاضای صدور دستور موقت ملاقات کودک را می نماید. دادگاه با بررسی محتویات پرونده و ملاحظه سند رسمی ازدواج، ضمن احراز نیاز روحی و عاطفی خواهان و فوریت موضوع، درخواست وی را وارد دانسته و با استناد

به مواد ۱۱۷۴ و ۱۱۷۵ قانون مدنی و مواد ۳۱۰ و ۳۲۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، دستور موقت ملاقات فرزند خواهان تا رسیدگی به ماهیت دعوا و صدور حکم قطعی را صادر و اعلام می‌دارد تا خواهان بتواند فرزند مشترک را هر هفته به مدت چهار ساعت از ساعت هشت صبح روز پنج‌شنبه تا ساعت ۱۲ همان روز و تحت نظارت کلانتری محل سکونت طفل ملاقات کند.

در فرض نخست مادر که طفل تحت حضانت وی قرار گرفته از همان ابتدای صدور حکم از دادن کودک به پدر برای ملاقات خودداری می‌کند. در پی این اقدام، پدر کودک شکایتی را در این خصوص تحت عناوین مختلف از جمله ممانعت از حق، ممانعت از اجرای حکم و ... در دادسرا مطرح می‌نماید.

در فرض دوم، مادر حکم دادگاه را در رعایت حق ملاقات پدر اطاعت نموده و اجرا می‌کند؛ اما پس از مدتی در انجام این امر کوتاهی کرده و از دادن طفل به پدر (با وجود این که مشارالیه طبق حکم دادگاه حق مطالبه فرزند را دارد) امتناع می‌کند. در این مورد نیز پدر طرح دعوا نموده و معمولاً در این موارد صورت جلسه مرجع انتظامی که ناظر اجرای حکم است، مستند شکایت قرار می‌گیرد.

در فرض سوم، پدر براساس رأی دادگاه کودک را روز پنج‌شنبه برای ملاقات تحویل می‌گیرد؛ اما نه تنها او را در موعد مقرر بر نمی‌گرداند؛ بلکه با وجود درخواست مادر از

استرداد طفل به او خودداری می کند و در این وضعیت مادر شکایت خود را تحت همان عناوین مطرح شده به دادسرا ارائه می دهد.

قضات دادسرا در برخورد با این گونه پرونده‌ها به سه گروه تقسیم می شوند:

گروه اول با استدلال در خصوص فقدان وصف کیفری این نوع شکایت‌ها مبادرت به صدور قرار منع تعقیب می نمایند. در مقابل، گروه دوم از دادیاران و بازپرسان آن را منطبق با مفاد ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی قرار داده و در صورت احراز عناصر متشکله ماده مذکور، پرونده را با صدور قرار مجرمیت و تنظیم کیفرخواست به دادگاه ارسال می نمایند.

در گروه سوم حتی در برخی موارد صدور قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه خانواده نیز دیده می شود.

استناد گروه اول به ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۵ بهمن ۱۳۵۳ و قانون مربوط به حق حضانت مصوب ۲۲ تیر ۱۳۶۵ است.

این ماده اشعار می دارد:

«هرگاه دادگاه خانواده تشخیص دهد کسی که حضانت طفل به او محول شده، از انجام تکالیف مربوط به حضانت خودداری کرده یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی حق شده است، او را برای هر بار تخلف به پرداخت مبلغی از یک هزار تا ۱۰ هزار ریال و در صورت

تکرار به حداکثر مبلغ مذکور محکوم خواهد کرد. دادگاه در صورت اقتضا می تواند علاوه بر محکومیت مزبور حضانت طفل را به شخص دیگری واگذار نماید.

در هر صورت حکم این ماده مانع از تعقیب متهم__ چنانچه عمل او برابر قوانین جزایی جرم شناخته شده باشد_ نخواهد بود.»

در ماده واحده قانون مربوط به حق حضانت نیز آمده است:

«چنانچه به حکم دادگاه مدنی خاص یا قائم مقام آن دادگاه، حضانت طفل برعهده کسی قرار گیرد و پدر و مادر و یا شخص دیگری مانع از اجرای حکم شود و یا از استرداد طفل ممانعت ورزد، دادگاه صادرکننده حکم وی را الزام به عدم ممانعت یا استرداد طفل می نماید و در صورت مخالفت به حبس تا اجرای حکم محکوم خواهد شد.»

بر همین اساس اکثریت کمیسیون بررسی امور حقوقی و قضایی در تاریخ اول مهر ۱۳۷۷ اظهار داشته اند: «ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی مربوط به سپردن طفل به کسی و امتناع وی از مطالبه آن طفل است و شامل ممانعت از ملاقات طفل نمی شود. ممانعت از ملاقات طفل از لحاظ کیفری ممکن است با مقررات دیگری منطبق باشد.»

این عده از قضات معتقدند عدم تحویل فرزند از جانب یکی از والدین به کسی که حضانت فرزند را برعهده دارد، با ربودن یا مخفی کردن کودک به وسیله اشخاص دیگر غیر از والدین تفاوت دارد و چون ماده ۶۳۲ شامل والدین نمی شود، موضوع از صلاحیت

محاكم كیفری خارج است. قرارهای منع تعقیب صادر شده از سوی قضات گروه اول در خصوص این گونه شکایت‌ها مزین به نظریات متعدد اداره حقوقی در این باره است:

نظریه ۷/۶۰۹۵ مورخ ۲۸ آبان ۱۳۸۴:

«چنانچه به حکم دادگاه خانواده، حضانت طفل برعهده کسی قرار گیرد و پدر یا مادر طفل از استرداد او امتناع ورزد و یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی حق شود، عمل وی جرم محسوب نمی‌شود؛ بلکه این عمل تخلف از دستور دادگاه است و ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ و ماده واحده مربوط به حق حضانت مصوب ۲۶ تیر ۱۳۶۵

در مورد آن تعیین تکلیف نموده‌اند. با توجه به جرم نبودن تخلف، موضوع از شمول مقررات ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی خارج است و دادیار و بازپرس باید ضمن صدور قرار منع پیگرد، شاکی را ارشاد نماید تا به دادگاه صادرکننده حکم مراجعه کند. منظور از «کسی» مذکور در ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی کسی غیر از والدین طفل می‌باشد.»

نظریه ۷/۲۸۸۲ مورخ ۶ تیر ۱۳۸۱.ح.ق:

«خودداری پدر از تحویل طفل به مادر به نحوی که در حکم حضانت دادگاه مقرر شده، مشمول مقررات ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۵ بهمن ۱۳۵۳ خواهد بود.»

نظریه ۷/۶۱۸۵ مورخ ۳۰ آبان ۱۳۸۴.ح.ق:

«ماده واحده قانون مربوط به حق حضانت مصوب سال ۱۳۶۵ به وسیله ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی نسخ نشده و هریک در جای خود قابل اعمال است. در صورت خودداری از تحویل طفل برای ملاقات به نحوی که در حکم مقرر شده است، دادگاه باید طبق ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ اقدام نماید.»

نظریه ۷/۹۱۹۶ مورخ ۲۱ اسفند ۱۳۸۴.ح.ق:

«چنانچه به حکم دادگاه خانواده حضانت طفل برعهده کسی قرار گیرد و پدر یا مادر طفل از استرداد او امتناع ورزد و یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی حق شود، عمل وی جرم محسوب نمی گردد؛ بلکه این عمل تخلف از دستور دادگاه است و ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ و ماده واحده مربوط به حق حضانت مصوب ۲۲ تیر ۱۳۶۵ در مورد آن تعیین تکلیف نموده است. با توجه به جرم نبودن تخلف، موضوع از شمول مقررات ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی خارج است و دادگاه صادر کننده حکم باید در مورد الزام مستتکف اتخاذ تصمیم نماید.»

نظریه ۷/۸۷۲۸ مورخ ۲۰ بهمن ۱۳۸۳.ح.ق:

«ممانعت پدر یا مادر از اجرای حکم ملاقات یا عدم تحویل طفل به ذی حق، مشمول مقررات ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی نیست.» استدلال و استناد گروه دوم بر مبنای مفاد

ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی استوار است. مقنن در این ماده چنین مقرر می‌دارد: «اگر کسی از دادن طفلی که به او سپرده شده است، در موقع مطالبه اشخاصی که برابر قانون حق مطالبه دارند، امتناع کند، به مجازات از سه تا شش ماه حبس یا به جزای نقدی از یک میلیون و ۵۰۰ هزار تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

این گروه علاوه بر تصریح قسمت اخیر ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده بر جواز بررسی و انطباق این گونه شکایت‌ها با قوانین جزایی، چنین شکایت‌هایی را منطبق با مفاد ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی می‌دانند و معتقدند که عبارت «کسی» در صدر این ماده مطلق است و همه افراد از جمله پدر و مادر را دربرمی‌گیرد؛ با این استدلال که در بررسی تطبیقی این ماده با ماده ۱۹۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ مقنن مرتکب این جرم را منصرف از مادر می‌دانست:

«اگر کسی _ غیر از مادر_ از دادن طفلی که به او سپرده شده است، در موقع مطالبه اشخاصی که حق مطالبه دارند، امتناع کند، به یک تا شش ماه حبس جنحه‌ای محکوم خواهد شد.» این در حالی است که مقنن در وضع این ماده در قالب ماده ۶۳۲ مصوب ۱۳۷۵ تعزیرات کلمه «مادر» را حذف و واژه «کسی» را به صورت عام به کار برده است.

بدین ترتیب اگرچه قانونگذار در ماده ۱۹۷ سابق به صراحت مادر را از شمول افراد مذکور مستثنا نموده بود؛ اما در ماده جدید چنین استثنایی را به کار نبرده و با این اقدام هدف خود را تحت شمول قرار دادن همه افراد از جمله پدر و مادر بیان کرده است. بر این اساس از هیچ قسمت از این ماده عدم شمول و مستثنا شدن والدین برداشت نمی شود. در واقع کلمه «کسی» اطلاق دارد و بنابراین تفاوتی نمی کند که مرتکب این جرم والدین، اولیا یا قیم طفل باشند و یا اشخاص دیگر.

به اعتقاد این گروه از قضات، عنصر مادی این جرم امتناع از دادن طفل به اشخاص ذی نفع است و «دادن» به طور مطلق در این ماده به کار رفته که شامل دادن موقت و دائم می گردد. دادن موقت مانند این است که طفل به مهد کودک سپرده شده باشد و دادن دائم همچون زمانی است که کودک به سن هفت سالگی رسیده و از حضانت مادر خارج و به پدر تحویل داده شود.

گروه سوم از قضات با استناد به میزان جزای نقدی مندرج در ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده و براساس ملاک تبصره سه ماده سه قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱ که مبتنی بر رسیدگی مستقیم دادگاه در جرایمی است که مجازات قانونی آنها جزای نقدی تا یک میلیون ریال می باشد، مبادرت به صدور قرار عدم صلاحیت به شایستگی و اعتبار دادگاه های خانواده می نمایند و معتقدند که در رویه های عملی دادگاه خانواده این گونه قرارها پذیرفته می شود.

استدلال‌های هریک از سه گروه در جای خود قابل تأمل است. قائل شدن عدم وصف کیفری برای این گونه شکایت‌ها هر چند مستند به مواد ۱۴ قانون حمایت خانواده، ماده واحده قانون مربوط به حق حضانت و نیز نظریات متعدد اداره حقوقی در این زمینه می‌باشد؛ اما مقنن در قسمت اخیر ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده تصریح دارد: «... در هر صورت حکم این ماده مانع از تعقیب متهم چنانچه عمل او طبق قوانین جزایی جرم شناخته شده باشد، نخواهد بود.»

از سویی با وضع ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی که واژه «کسی» را به صورت مطلق به کار برده است، مستثنا نمودن این ماده از والدین با این اطلاق سازگار نبوده و منافات دارد؛ به خصوص اگر با ماده ۱۹۷ قانون مجازات عمومی سابق مقایسه شود. دادن وصف کیفری به تمامی شکایت‌های مطرح شده و اختلافات والدین در این خصوص نیز صحیح نمی‌باشد. به عنوان مثال، ممانعت از ملاقات طفل از جمله موارد متفق‌القولی است که تحت شمول ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی قرار نمی‌گیرد. برخی از مواد لایحه جدید قانون حمایت خانواده نیز مؤید همین امر است:

ماده ۳۹: «هرگاه دادگاه تشخیص دهد که توافق در خصوص ملاقات، حضانت، نگهداری و سایر امور مربوط به طفل خلاف مصلحت وی می‌باشد و یا در صورتی که مسئول حضانت از انجام تکالیف مقرر برای حضانت خودداری کند یا مانع ملاقات طفل تحت حضانت با اشخاص ذی‌حق گردد، می‌تواند هر تصمیمی که به مصلحت طفل باشد، از

جمله واگذاری امر حضانت به دیگری یا تعیین شخص ناظر یا پیش‌بینی حدود نظارت وی و نظایر آن مقرر نماید.»

ماده ۴۸: «کسی که حضانت طفل به او محول شده است، هر گاه از انجام تکالیف مربوط به حضانت خودداری نماید یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی‌حق شود، به پرداخت ۵۰۰ هزار تا ۵ میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد.»

همچنین از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، قوانین و مقررات مغایر منسوخ اعلام می‌شوند که این اقدام به رفع این تعارض‌ها کمک خواهد کرد. در این راستا مقنن به

منسوخ شدن قانون حمایت خانواده مصوب ۱۵ بهمن ۱۳۵۳ و قانون مربوط به حق حضانت مصوب ۲۲ تیر ۱۳۶۵ تصریح نموده است.

نتیجه حاصل از جمع مطالب و رویه‌های گفته شده در راستای رفع تعارض مواد قانونی مذکور و انطباق عملی بیشتر با این قوانین آن است که رسیدگی به مواردی همچون تخلف از انجام تکالیف مربوط به حضانت یا ممانعت از ملاقات طفل با اشخاص ذی‌حق یا تخلف

از اجرای حکم دادگاه خارج از شمول ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی است؛ اما در سایر موارد والدین هم مانند بقیه افراد در صورت ارتکاب جرم موضوع ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی مشمول این ماده قرار می‌گیرند.

نویسنده: افسانه زمانی جباری